

قیمت اشتراك سالانه

طهران ۴۰ فران
سایر بلاد داخله ۴۵ فران
روسیه و قفقاز ۱۲ مانت
سایر ممالك خارجه ۳۰ فرانك
(قیمت يك نسخه)
در طهران يك نسخه دینار
سایر بلاد ایران به شاهی است

قیمت اعلان مطبوعه
دو قران است

یومیه

کابلین

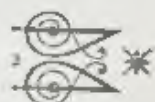
۱۳۱۱

طهران

وبه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه
با امضاء قبول و در انتشارش اداره آزاد است

الاول ۱۳۲۵ هجری قمری و ۹ اردی بهشت ماه جلالی ۸۲۹ و ۲۹ آوریل ۱۹۰۷ میلادی

جلال الدین ال
صاحب امتیاز
و یومیه
(عنوان)
طهران
نایب مدیر
غیر از روز
طبع



ربنا آتنامن

بار خدا
و نیات مارا
نا چنانکه
مقرر خود
دست و زبان
فرما که از
مترزل نباشد
روزگار و
بخش که
و پروا ننما
نا مساعدت
و از شهادت
نجویم که
کردن
وطن و ملت
و جوشش
هموطنان
بیانات مان
درون ما
باین امر
هموطنان
طبع ندود
مقدم اما
و مختصر
در زاویه

شی لایمان امر نارشد

معرفت روشنی بخش
ک مقدس و خالص کردن
عبد و طریقه و تکلیف
ت را خدمتی شایان توانیم
قدرت و توانائی کرات
نیات در مقام نشر حقایق
بست ده که از شدت
و تیره نگردد دل را قوت
تخویف و تهدید اندیشه
از اندازه عطا فرما تا از
ت برادران لبریز نکریم
ی و حق نویسی انحراف
و امرش را ارما دور
موری ده که در راه ترقی
قدرت خویش کوشش و
را آن تاثیر موهبت نما که
و هوش بچایب مقالات و
بزرگ کردگار تو از
ما واقف که از اقدام
دولت و ترقی وطن و
ما بر خلاف دین چشم
له خیال را نیالوده ایم دین
یم و است اسلامی را سر بلند
حقیقت را که سالها است
در موقع اجرا میخواهیم

عفو کینه مسلمانان و اتحاد آنانرا طالبیم توسعه دائره
الافکار سرادران را وجهه همت ساخته ایم خود خواه
حریت و آزادی و عاشق مساوات و برادری هستیم
رواج تجارت و صناعت از دیار ثروت و مکت
همکن را خواستاریم ایران را که وطن عزیز ماست آباد
و ساکنان این خاک يك را آزاد و دلشاده میخراییم
و بالجملة ملك و دیوه ما در این روز نامه یومیه
عمان ملك و متیج روز نامه هفتگی حبل المتین است
و در نظر قراء محترم آشکار است که روز نامه
حبل المتین در عرض چهارده سال تمام يك امر مهم را
منفلور گرفته فریادها میزد و قوم را بستم آن متوجه
میساخت و در راه وصول این مقصد معنی کمر فرار
چندین بار مشکلات کردید و در چه گردانهای هولناک
دچار شد و با چه دشمنان قوی بازو پنجه افکند و با چه
مواج و مزاحم مصادی گشت تا آنکه بحمد الله کامیاب
و مقصی الغرام گردید و باستقامت ثبات و استقامت و حسن
مقصد بر همه موج پیشی گرفت و بردشمنان ظریفات
و آنچه در طلبش پیرسو میشدست بدست آورد یعنی
استخلاص ملت و دولت ایران از دست بیگ نکان و
تاسیس اساس عدالت و مشروطیت و محو آثار استبداد
و ظلم و بدعت و ترویج احکام الهی چنانکه امروز
بفضل خدا و توجه امام عصر عجل الله فرجه در ظل
ظلیل پدر تاجدار مهربان ما (محمد علی شاه) خلد الله
ملكه و مجلس مقدس شورای ملی که بهت با عام تابان و
آفتاب درخشان بنمای اطراف و احکامی ممالك
محرومه نورشان است آن مقامه انجام گرفته و ملای
حریت و مواسات گوشتزد اهل عالم کمر دیده است و

عَلَى الْمَلِكِ

● ۱۰۰ ●

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه
عضواً معمول و در انتشارش اداره آزاد است

بنا آئنا من لدلك رحمة وحيثي لنا من امرنا رشداً

عفو کما مسلمانی و اتحاد آنانرا طالبیم توسعه دائره افکار برادران را و جبهه همت ساحته ایم هوا خوار خیریت و آزادی و عاشق مساوات و برابری هستیم رواج تجارت و صناعت از دیار ثروت و مصلحت ممکن را خواهانیم ایران را که وطن عزیز ماست آباد و ساکنان این خاک را آزاد و دلشاد میخوایم و بالجملة مسلك و شیوه ما در این روزنامه یومیه همان مسلك و منهج روزنامه هفتگی حبل المتین است و در نظر قراء محترم آشکار است ~~که~~ روزنامه حبل المتین در عرض چهارده سال تمام يك امر مهم را منظور گرفته قریادها میزد و قوم را بسمت آن متوجه میساخت و در راه وصول بان مقصد معلى ~~حکومت~~ جفدرها مشكلات گردید و در چه گرداهای دولتاتك دچار شد و باچه دشمنان قوی بازو پنجه افکند و باچه مواج و مزاحم مصادف گشت تا آنکه حمدالله که میسب و مقضى المرام گردید و باستعانت ثبات و استقامت و حسن مقصد بر همه مواج پیشی گرفت و بردشمنان ظفر یافت و آنچه در طلبش بهر سو میشتافت بدست آورد یعنی استخلاص ملت و دولت ایران از دست بیگگان و تاسیس اساس عدال و مشروطیت و محو آثار استبداد و ظلم و بدعت و ترویج احکام الهی چنانکه امروز بفضل خدا و توفیق امام عصر عجل الله فرجه در ظل ظلیل پدر تاجدار مهربان ما (محمد علی شاه) حمدالله ملئکه و مجلس مقدس شورای ملی که بمنابه ماه تابان و آفتاب درخشان تمامی اطراف و ~~اصکنای~~ معالک محروسته نورشان است آن مقاصد انجام گرفته و سلاى حریت و مواسات گوشزد اهل عالم ~~حکمران~~ گردیده است و

2 059.9155 H116 M433 (1-100)

هرکس بدیده اصاب بگرد حکم قطعی خواهد کرد که عمده اسباب حصول این خوشبختی و سعادت فریادها و ناله‌های چهارده ساله حبل المتین است و این شرف را که اعظم تمام شرافتهای جهان است حاصل نموده و سر افتخار بکیوان رسانیده است اکنون نیز از طبع و نشر این روز نامه در مرکز مملکت و و پای تخت ایران جز اختتام این مأموریت الهیه و تکمیل مقاصد سابقه در نظر ندارد و جر اعتدال و عظمت ملت و دولت درد يك خاطر نبخته است و از آفریننده جهان توفیق و تائید خود را در انتشار این روز نامه یوبه و تبه و آگاهی ایرانیان و اسلامیان و ارتقاء علم تمدن و عمران مشت مینماید

این مسئله را همنگته نمیکذاریم که احتیاج ملت ما امروزه بچرائد آزاد خصوص چرائد پرمیه و اخضر از نور آفتاب است زیرا هیچ ملتی ممکن نیست حقوق خود را حفظ نمایند و مراف حرکت و سکنت امنای و و سکای خویش گردند مگر در صورت پیداری دانی و آگاهی همیشگی بشی که ابتدا خواب و غفلت پیرامون آنان نکرده متنی و بیخبری در ساخت وجودشان راه نیاید ساختی مسامحه و تساهل در این مورد مورث ضررهای فاحش است که بسالیان دراز تلاقی آن پسر نشود و لمحه غفلت باعث هزاران خرابی و خطر بزرگ است که بروزگار آن تدارک نکرده عالم بودن و از اوضاع پانیک عصر حاضر اطلاع داشتن نیز اگر چه از شرایط عمده و ارکان مهمه است چه قوم جاهل را جز مملکت مستبد سزاوار نیست و امت نادان را حق چون و چرا گفتن ساقط است چون طفل صغیر که بر قیم خود حق مؤاخذة و باز خواست ندارد لکن اهمیت این مسئله چون شرط اول نیست و اخضر بگویم ملت که بیدار و هشیار است و خواب و بیهوشی را از سر بدر کرده است و با دورین مراقبت از دور ملکت اعمال رؤساء است و از هزار فرسخ فاصله تمام حرکات آنان را مشاهده میکند و خوب و بد زشت و زیبا را تمیز میدهد و با ذره بین دولت جزئیات و کلیات را زیر نظر مراقبت و مواظبت می آورد و ممکن نیست امری بر آن ملت پوشیده و ستور بماند و صحت و فساد هیچ امر بر آنها مشتبه نگردد و هر گونه لوازم را آن هنگام برای صحت عمل تدارک و فراهم میکند علم لازمست تحصیل میکند اسباب کار را موجود مینماید ولی با وجود خواب گران و سستی اعضا و بی حسی قوای بدن و برهم گذاردن چشم محال است ملت بدرجات و

مقامات بلند که در خور ملل مستبد است ناپز گردند و بر مدارج ترقی و تمدن صعود نمایند انسان بالطبیعه و با طبیعه طالب استراحت است و خواب و غفلت از لوازم طبیعی بشر است غفلت جزء حالت این نوع مخلوق است چنانکه اگر او را بحال خود وا گذارند کم کم غفلت بر او مستولی شود تارک و تارک گردد سلولیات را فراموش کند وقت را بر کنار نهد بخواب خوشی و چرت بپری از هر کار باز ماند تدریجاً مطلق و سرگردان و در امور خویش حیران گردد پس او را متنبه و بیدار کننده لازم است که اعصاب را بحرکت آورد و متصل در بدن حرارت و احساس تولید کند روح را غذا دهد از غم و غم و سستی مانع شود و بعد از استحقاقات و تجارب زیاد در فرد دانا با علم شمعین واضح و روشن شده است که بهترین وسائل و نیکوترین اسباب تبه و آگاهی روزنامه جات آزاد و مطبوعات پیرشاه است که بقوت بیان و قدرت کلام و تسلط در اداء سخن و حسن تحریر و لطیف تحریر مرد مرا در حالت هشیار نگه دارند و ملکت حسن و قبح سازند بملاوه سفاحت چرائد جولان که فلم دانین و عرصه میدان ادبا و دانشوران است و اهم انواع چرائد روز نامه یوبه است که هر روزه غشی تازه بر لوحه خاطر زند و خواب صبح و کسالت شب را از سر بیرون کند بدین ملاحظه است که در اول عمده و مراکز مهمه دعما بلکه صد ها روز نامه یوبه طبع و نشر میگردد و قویترین دلیل ترقی و تقدم يك ملترا کثرت مطبوعات و بسیاری روزنامه جات آنها بشمارند و رونق عالم مطبوعات را دلیل احساس و بیداری اهل مملکت میداند و از مضامین اخبار و مشرجات چرائد میزان علو حیل و اندازة انرا کات و احساسات قومی را استنباط میکند یعنی روزنامه را مرآت و آینه سر تا پا نمای مملکت و ملت و کشف در جات اهالی میداند

(ترجمه از روزنامه ارشاد نمره ۴۸ مورخه ۱۸ صفر)

ایران - اختلال

تا کنون هر گونه حوادث و وقایع که نتیجه آنها اقتضای مجلس شورای ملی بود واقع میشد (انقلاب) میگفتیم اما یاره واقعات که این روزها بظهور رسیده و در بعضی اماکن سر زده و میزند باید آنها را اختلال بگوئیم انقلاب - مبارزت و ستیزه است که فیما بین دولت و ملت واقع میشود و اختلال عبارت است از اغتشاش و هرج و مرجی که بغیرا و اغفال دولت و دولتیان ظاهر میشود و فائده اختلال برای دولت آنست که انقلاب و مشاجره با دولت توفیق گردیده خلق بجان یکدیگر افتاده دولتیارا

آسوده میگذارند و حکومت از ضعف و سستی خلاص شده
محکم و بایدار میگردد

سابقاً عقیده من در خصوص ایران این بود که
بدون خون ریزی و اتلاف نفوس و فدا شدن جانها تغییر
و انقلاب حقیقی واقع نخواهد شد و شکل سلطنت استبدادی
مطلق نخواهد گردید جمعی که در این عقیده با من مخالفت
داشتند وقوعات و حوادث روزانه ایران را عرضه داشته
دلیل مدعی خود گرفتند و مرا تکذیب کرده از این تبدیل
ناگهانی که بدون خونریزی حاصل شد نهایت خوشحال
و شاد شدند و افسوس حرف آهراست آمده و فکر من بخطا
رفت نظر من باین نکته بود که اشخاصی که از بدو تولد
در ریاست و آقاوی و مطاع بودن پرورش یافته و باین
عادات تربیت شده اند و هر روز قدرت و قوت شان افزونتر
گردیده و بالاخره حاکم مطلق و فرمانروای مستبد و فعال
پیدا گشته اند و غیر از این طریقه طریقه دیگری
در زندگانی خود ندانسته اند هرگز نمیتوانند راضی شوند
که اختیارات غیر محدود را که در دست دارند از خود
سلب کرده بدهند بدست ملتی که محکوم و مطیع آنها بود اند
یعنی یک مرتبه از مرتبه آقاوی دست کشیده مطیع نوکرها
و بنده های چندین هزار ساله خود شوند و خود را بردارند
مسئول و مؤاخذ قرار دهند لکن یک امر محسوس که چشم
همه دید و گوش همه شنید یعنی ایجاد مجلس شورای یکباره
مرا تکذیب کرد. حقیقت من هم خطا نکرده بودم و درست
فهمیده بودم و الان هم پشیمان عقیده باقی هستم چرا که
ممکن نیست مستبدان و ارباب حکومت بدون اجبار
از اختیارات خود صرف نظر کنند لکن علت اصلی ریاست
انها بسلطنت مشروطه بی اطلاعی و بی علمی دولتیان بود
که معنی حکومت دستوری را نمیبोधند و هرگز بخاطرشان
خطور نمیکرد که نتیجه انقلاب سلطنت مشروطه بستمیده
محدود شدن اختیارات آنها و مسئولیت نزد ملت باشد
تصور میکردند که این گفتگو و یا هر نظیر سایر
اقلایات است که بی مسئولیت و بی خاموش بشود اگر هم
تغییری پیدا شود در ملت خواهد بود اسم مستبد را برداشته
نام مشروطه بجایش گذارده خواهد شد بدون اینکه
مجباری امور مقلب شود و آب از جوی قدیم برگردد پس
بحال آنها یحسب که مشروطه بشود یا نشود قانون
اساسی وضع شود یا نشود همان منطقه و ریاست و اقتدارات
نامه برای آنان باقی خواهد ماند. لکن بعد از افتتاح مجلس
و شروع بعملیات ملت متذکر شدند که خطا کرده و فریب
خورده اند از کرده پشیمان شده دست نهادند بر سر زدن
زیرا که مقتضی مشروطیت انقراض استبداد خوانین
و سامورین است و ممکن نیست در یک ملک دو جور

سلطنت باشد همیشه دستوری شد قهراً استبداد
مضمحل و منقرض خواهد شد. اما قدرت و قوت را
در خود نمی بینند که مثل دولت روس با ملت روبرو
شده سبزه و مبارزت کنند. حالیه چاره کار را منحصر
به آن دیده اند که پنهانی ملت را محروک شده بر ضد
تیمه خارجه و اجانب تحریض نموده اختلالی برپا نموده
امر را ماجر مداخله دول اروپا نمایند تا ملت را بزور
دیگران مطیع و بتقاد نموده باز طرز کهنه حکومت
سقیمه مستبد را برقرار نمایند.

دولت ایران در این تدبیر بخطا و سهو بزرگی است
مداخله دول اروپا جرئت و ضرر عظیم اینها فائده و نفعی
ندارد زیرا که ملت آنها هم یکباره از دولت رنجیده
طریقه آزارشست را مجبوراً پیش خواهند گرفت و خطرات
آن قدری بزرگ است که دول اروپا از مداخله خود
پشیمان خواهند شد زیرا که اگر ایرانیان در راه احقاق
حقی مثل عدالت و حریت مبارزت کنند و جان فدا نمایند
قهراً بسایر ملوایف سلطنت سرایت نموده حکم مملکتی
برپا خواهد شد که خلا از تسکین آن عاجز شوند واضح است
و قیصه مسلمانان عالم ملت ایران را زیر ظلم و جبر
دولت خود و دول اجانب دیده که دلایره جان نثار میکنند
آرام نگرفته بی شیهه به هیجان آمده خدا میداند عاقبت کار
چه خواهد شد.

دول اجانب و دولت ایران نباید فراموش کنند
غلبه زاین و حرکت آزادانه روسها که در قرن بیستم بهمه
عالم تاثیر کرده است و چشم تمام ملل مختلفه را باز
کرده هر کسی در فشار و تنگی یا حقوق پایمال شده بجهت
مدافعه و مطالبه حقوق خود به به میجوید و مشرودقت است.
(عزیز)

حبل المتین

عقیده خود را در اینخصوص بواسطه تنگی صفحات
بتره آتی محول نمودیم

تحقیق معنی مسئولیت

آیه قراء محترم میبوند که تا در سه ماه قبل اهالی
وطن ما این کلمه مبارکه را که اساس خوشبختی و سعادت
است نشنیده و با این لفظها سرو کاری نداشتند هر چه
میشنیدند کلمه مشغوم استبداد و استقلال بود حالا بتازگی
میخواهند بشنیدن این کلمه الفاظ مانوس شوند در اینصورت
اگر اغلب معنی او را ندانند و از حقیقت آن مطلع نباشند
عینی نیست و کسری یکی وارد نمیشود واضح است که
همه کس همه چیز را از اول نمیدانسته است در صدد

برآمده و موضوع بحث و مذاکره قرار داد. ناخفیت از
کساد افکار پیدا شده است و مجهول معلوم گردیده است
بدین سبب هر کسی حرفی میزند و به قدر فهمش
توضیح و تشریح می دهد. بهت گاه مسئولیت می نماید و حد و دوش را
مبین می سازد. و اندکثر بگویم هر آدمی به مقتضای صرفه
و صلاح حال خود توجیهی میکند و نظر به مصلحت خود
دائرة اثر را وسعت یا تنجیق میدهد. و عکروهی چندان
عرصه را تنگ میکنند که احدی نمیتواند زیر بار قبول
برود جمعی بآن درجه میدان را واد. میسازند که همه
کس بهوس پذیرفتن می افتد. آنها که طرق مسئولیت اند
از قبل و زرا که مسئول مجتهدانند یا حکم و مانعین
که مسئول وزرا هستند در ضمنی مسئولیت بقسی توشه
میدهند که با هزار شاهد و یکه توان بر آنان ابرادی
وارد نموده و یا از کتاب هر عملی مجال مؤاخذة باشد
اقتدر مجال تغییر میسر ما باشد که هیچ مهندس ماهری
نمیتواند نقشه صحیح اثر را بر رسم سازد. يك شتر گریه که
بتوان هر وقت بر هر کسی ابرادگر دو هرگز نشود و سجل و ثبت نمود
فی الحقیقه يك نوع چشم بندی و اغفال است که
نمیتوان از برای او خطیری پیدا نمود از طرق دیگر معنی
از و کلاء محترم در مقام سخت گیری چنان بر می آیند که در
مسئلت ما که هیچ در خط مشدنه هم که تمام لوازم
و اسباب کار فراهم است و ادارات بواسطه جرحی کلک
کرده طیار در گردش است کسی زیر بار نمی رود و اصطلاح
علماء (دونه خطر الفتد)

از آنجا که هر کس آزادی است آنچه را صلاح ملک
و دولت بداند بی هیچ خوی و ترس اظهار ندارد عقیده
ورای خود آشکار نماید لذا ما در خصوص این مسئله آنچه را
بقل فایز ادراک میکنیم عرضه میداریم خواه مقبول شود
یا مردود

جناب وزیر مالیه روز پنجشنبه گذشته در مجلس
محترم چنین تقرر نمودند « ما مسلمانی هستیم و معتقد و
مقلد دین اسلام هستیم شرع ما این است (لا یتکلف الله
انفساً الا و سراً) یعنی تکلف باید بقدر طاقت باشد زیاده
از طاقت و قدرت بر احدی نمیتوان حمل تکلیف کرد .
معنی مسئولیت را من دوجیز میدانم اول امانت و دیانت
که بر امور خلاف و خیانت نگردد و ثلث و تدلیس نماید
دویم بذل جهد و سعی که بقدر القوه در امور راجعه
بخود سامحه و ملاحظه نماید سهل انگاری و کسالت را در
این مقام جایز نشمارد و من مسئولیت را بعین معنی قبول
کرده ام و در اداء آن حاضر هم خورده ام که خیانت
نکنم نیکنم بلکه از روز اول در هر عملی که راجع بمن
بوده است مرتکب خلاف و خیانت نگردیده ام از بذل جهد
و کوشش باز دانه که در طاعت هست مضایقه ننموده ام لکن

تکلیفی که شما از من میخواهید با وضع حالیه مسئلت از
تحت قدرت من بیرون است

اینکه در مسائل خارجه و زیر مالیه در مرکز مسئلت
نشسته در دور ترین نقاط انظار امورش بخوبی مرتب و
مربا میشود غرض آنستکه رشته امور چنان منظم و مرتب
شده است که اگر فی الحال در پیور کسی از اداء
مالیات استکاف کند عذریه فوراً او را مجازات می نماید و
حقوق دولت را وصول میکند یعنی دیگران برای او کار
میکند دست تنها نیست که از عهده تکلیف عاجز شود

ولی در این مسئلت من چگونه میتوانم بقیهائی تمام
امور را مرتب و منظم کنم و شما چنان میتوانید مؤاخذة
کار دیگران را از من بکنید و مرا مسئول عمل غیر قرار
بدهید و وجهی را که دیگری گرفته است جمع و خرجش
را از وزارت مالیه مطالبه نمائید مالی من نمیتوانم تحقیق
شکرده بگویم چه قدر گرفته اند و از کجا و کددام
شخص بوده است و از چرا گرفته و بچه مصرف رسانیده اند
رعای بمن ندارد الخ .»

دور نیست سایر وزراء مسئول نیز عقیده شان مطابق
رأی وزیر مالیه باشد لکن واضح است که قدرت و قوه
آدمی در اداره کردن يك دستگاه مثل قوه مافوق نیست که
بتوان بوجه تحقیق معلوم نمود که قوت چند استبداد
و چه مقدار وزن را میتواند ببلان ارتقا بخشد نماید و افدا
غیر از خود شخص دیگری نمیتواند میزانی برای طاعت
او معین کند . علاوه اشخاص در قوت و طاقت مختلف
هستند هر کس يك مقدار قوت و طاقت دارد انهم
بحسب ایام مختلف میشود سایر این هرگز این امر منظم
نخواهد شد و راه ظفره و فرار همواره باقی خواهد ماند
و هیچ وزیری شایان عمل نخواهد بود و باید در صورت
ظهور فساد و حال استفسار بدهد زیرا که میتواند
بگوید من قدر طاقت سعی کردم و خیانت نکردم . گذشته
از اینها این بیانت چه رعای میکند مسئولیت دارد این دو
امر لازم همه کس است اختصاصی بوزراء هست که ندارد
اگر میخواهید يك مثل و اشخاصی عرض کنم که بدانید بذل
جهد و خیانت نکردن نمائیتی با مسئولیت ندارد البته میدانید
اطباء و دکتران در فرنگ مسئولیت بستمی اگر مرخصشان
هلاک شود کسی نمیتواند از آنها مؤاخذة کند و مطالبه
دیه و مجازات بنماید و معالجه که بنماید شایان نیستند که
مریض شفا یابد . آیا باوجود عدم مسئولیت میتواند
خیانت کنند یا در اداء وظیفه خود سامحه و تکامل نمایند
غیر البته اگر خیانت کردند یا کوتاهی نمودند سیاست و
مجازات میشوند پس مسئولیت امر علیحدہ و سعی و است
امر دیگری است

حسن الحسینی الکاشانی

تهران (در مطبوعه فاروس بطبع رسید)